



فرهنگ و تمدن در ایران عصر صفوی/ نقاشی و معماری در عهد صفوی

صحبت در خصوص حوزه فرهنگ و تمدن عصر صفوی از جمله مواردی است که وسعتی بسیار قابل توجه دارد زیرا در این حوزه نیز صفویان وارث میراث غنی بودند که از دوران قبل از روی کار آمدن آنان شکل گرفته بود که با دستیابی صفویان به قدرت این میراث غنی تر و مستحکم تر گردید.

صحبت در خصوص حوزه فرهنگ و تمدن عصر صفوی از جمله مواردی است که وسعتی بسیار قابل توجه دارد زیرا در این حوزه نیز صفویان وارث میراث غنی بودند که از دوران قبل از روی کار آمدن آنان شکل گرفته بود که با دستیابی صفویان به قدرت این میراث غنی تر و مستحکم تر گردید.

ظرفیت فرهنگی بالا در مراکزی چون هرات، سمرقند، تبریز و شیراز و رشد هنر و معماری در این مراکز از جمله اموری بود که صفویان آن را اخذ نموده و بر گسترش آن اهتمام ورزیدند. قطعا و به درستی در کنار تاثیر حوزه اروپا بر فرهنگ و تمدن عصر صفوی، چرخش مذهبی جامعه در این دوران می باشد که به حیات تمدنی ایرانی بسیار اثرگذار بوده و باعث گردید تا پایتخت های آن دوران هم چون اصفهان با بهره از فرهنگ ایرانی - اسلامی به کانون و قطب فرهنگ و تمدن ایران مبدل گردد.

از آنجا که حوزه فرهنگی این دوران وسیع و شامل معماری، نقاشی، شعر و ادبیات می باشد در پژوهش پیش رو تنها به 2 مورد از آن یعنی به معماری و نقاشی اشاراتی می گردد.

باید گفت معماری عصر صفوی دارای ویژگی هایی قابل تمایز با دوران قبل از خود می باشد که این تفاوت در نوع و شیوه ی بناها به خوبی قابل مشاهده است. ایجاد ساختمان هایی با عظمت در قزوین عهد شاه تهماسب یکم و با بلندپروازی های شاه عباس در معماری اصفهان، میدان نقش جهان و ساختمان های مرتبط با آن از نمونه های قابل ذکر معماری در دوران صفویه می باشد. اوج معماری عصر صفوی که در اصفهان نمود دارد به صورتی بوده است که اصفهان ظرف مدتی کوتاه رقیب استانبول و دهلی می گردد و در مواردی به علت سبک خاص در معماری انتقال دهنده این نوع هنر به دیگر نقاط نیز می شود.

ویژگی معماری این دوران را می توان درون گرایی و عظمت در ساختمان ها دانست که البته در کنار این مورد باید به اهمیت اساسی رنگ در معماری نیز اشاره کرد زیرا در معماری صفوی رنگ جایگاهی اساسی داشته و از تذهیب کاران نیز برای کاشی کاری بناها استفاده می شده است.

نقاشی

درخصوص نقاشی دوران صفوی باید گفت شروع این هنر در این دوره با انتقال تجربیات مکتب هرات در عهد تیموریان همراه بوده است. به طوری که شاه اسماعیل نقاش معروف مکتب هرات یعنی بهزاد را به سرپرستی کتابخانه سلطنتی در تبریز منصوب می کند. در دوران شاه تهماسب یکم به دلیل تغییر شرایط در ایران قدری تفاوت در عرصه نقاشی بروز می کند. در این زمان دو نسخه خطی یکی شاهنامه تهماسبی و دیگری خمسه نظامی توسط نقاشان دربار سلطنتی صفویه مصور می گردند.

شاه اسماعیل دوم نیز که به هنرمندان توجه شایانی داشت باعث رونق هنر نقاشی در این دوران شد. در این دوره مکتب اصفهان شکل می گرد و فردی همچون صادقی بیگ افشار یکی از پایه های استوار مکتب اصفهان می شود. دوره شاه عباس یکم و دوم که با نام رضا عباسی پیوند یافته است دورانی است که صادقی بیگ افشار و آقارضا عباسی دوم چنان مکتب اصفهان را به پیش می برند و از آثار یکدیگر تاثیر نیز می پذیرند. البته باید اشاره کرد که در دوران شاه عباس یکم شمار زیادی از آثار هنری و به ویژه نگارگری رشد می کند. کم کم با آمد و شد اروپاییان جنبه هایی از نقاشی و هنر غربی در ایران نفوذ می یابد به طوری که از عهد شاه عباس دوم به بعد، آشنایی با نقاشی اروپایی صورتی تازه به خودمی گیرد.

در مجموع می توان فرهنگ و هنر دوران صفوی را ، فرهنگی رو به رشد و تعالی دانست به طوری که شیوه فرهنگی و فکری شکل گرفته در این عصر چون بر اساس استقرار و حاکمیت شیخ اثنی عشری بالنده گردیده بود تا دوران های بعد نیز تداوم خویش را حفظ نمود.

منابع:

فراز و فرود صفویان، منصور صفت گل کانون اندیشه جوان

کتاب ماه تاریخ و جغرافیا مطالعات صفویه شناسی شماره 38

ایران عصر صفوی راجد سیوری

ایران در زمان تیموریان، کمبریج، ترجمه یعقوب آژند